

# میراثی که فراموش نخواهد شد

بازخوانی  
آثار و اندیشه  
استاد فرشچیان  
در گفت‌وگوی صبا  
با اهل هنر

پگاه زارعی  
گفت‌وگو



با درگذشت محمود فرشچیان، نگارگر نامدار ایرانی و خالق تابلوهایی همچون «عصر عاشورا»، «شمس و مولانا»، «ضامن آهو» و «پنجمین روز آفرینش»، جامعه هنری ایران یکی از درخشان‌ترین چهره‌های هنر معاصر خود را از دست داد. استاد فرشچیان که بیش از هفت دهه از عمر خود را وقف اعتلای هنر نگارگری ایرانی و معرفی آن به جهان کرد، در طول حیاتش هم در ایران و هم در عرصه بین‌المللی جایگاهی کم‌نظیر یافت و لقب‌هایی چون «نقاشی برای تمام ملت‌ها» و «گنجینه زنده بشری» را به خود اختصاص داد.

این هنرمند بزرگ، میراث‌دار اصالت فرهنگ و هنر ایران بود که توانست با تلفیق سنت و نوآوری، سبکی منحصر به فرد خلق کند و نگاه جهانی را به نگارگری ایرانی معطوف سازد. آثار استاد فرشچیان نه تنها به نمایشگر زیبایی‌های بصری، بلکه بیانگر عمق فلسفی و عرفانی فرهنگ ایرانی بودند و پیوندی محکم میان هنر و ادبیات به وجود آوردند.

به منظور فقدان این اسطوره هنر ایران، با جلیل‌جوکار نگارگر و مدرس دانشگاه، و مینا صدوری نگارگر، مجسمه‌ساز و پژوهشگر هنر، گفت‌وگو کرده‌ایم تا علاوه بر بازخوانی زندگی و شخصیت او، درباره ضرورت حفظ، معرفی و انتقال آثار او به نسل‌های آینده بیشتر سخن گفته شود.



دوستی و رابطه استاد و شاگردی میان ایشان و استاد رجبی شکل گرفته بود. استاد فرشچیان همیشه با علاقه در جمع ما حاضر می‌شدند و از نزدیک کارهایمان را می‌دیدند. نگاه دقیق، تحلیل‌های عمیق و تفسیرهایی که از آثارمان ارائه می‌کردند، برای ما روشنگر و الهام‌بخش بود. صحبت‌هایشان به ما انگیزه می‌داد تا در کارهای بعدی با عمق و دقت بیشتری پیش برویم.

این نگارگر عنوان کرد: دیدار با ایشان برای ما همیشه شور و اشتیاق خاصی داشت. با وجود جایگاه والایی که داشتند، بسیار صمیمی، گرم و مهربان برخورد می‌کردند و نسبت به هنرمندان

جوان مشوقی بی‌نظیر بودند. این ویژگی را واقعاً در افراد کمی می‌توان دید. آن عالم معنوی و روح بزرگ ایشان، فضای هر جمعی را ارتقا می‌داد. برای من خوشایند بود که در رشته نگارگری فعالیت می‌کنم و در حوزه‌ای کار می‌کنم که استاد فرشچیان در آن چنین جایگاه جهانی‌ای دارند؛ نوعی احساس همراهی و هم‌دلی با مسیر ایشان. وی گفت: در نمایشگاه‌ها، بزرگداشت‌ها و همایش‌های مختلفی که ایشان را می‌دیدم، همیشه همان روحیه پذیرا و رفتار یکسان را داشتند. این منش و اخلاق، ظاهرسازی نبود، بلکه از درون و ذات ایشان سرچشمه می‌گرفت. در هر شرایطی می‌توانستید با ایشان صحبت کنید و همان مهربانی و تواضع را ببینید.

صدوری افزود: وقتی مجموعه آثار استاد فرشچیان را می‌بینیم و بعد سراغ کار هنرمندان دیگر می‌رویم، گویی در بسیاری از آن‌ها ردی از نگاه و سبک استاد دیده می‌شود. بسیاری از هنرمندان ناخودآگاه یا آگاهانه، بهره‌ای از فضای آثار ایشان را در کار خود وارد می‌کنند. این امر نشان‌دهنده آن است که استاد به شیوه و اجرای خاصی در هنر نگارگری رسیده بودند؛ شیوه‌ای که هم از نظر تکنیک بسیار قدرتمند بود و هم از نظر مضمون، هویتی والا و منحصر به فرد داشت.

وی خاطر نشان کرد: وقتی جای چنین هنرمندی خالی می‌شود، این احساس به وجود می‌آید که

جایگزینی برای او به سادگی پیدا نخواهد شد. با این حال، آثار ارزشمند و نگاه ژرف او می‌تواند سرمشقی برای نسل جوان باشد تا با الهام از آن، مسیر رشد و تکامل را ادامه دهند و به درک‌های بصری و معنایی والاتری برسند. صدوری تأکید کرد: استاد فرشچیان به شدت پرتلاش بودند؛ شبانه روز قلم از دستشان نمی‌افتاد. این استمرار و ممارست، کار هر کسی نیست. از نوجوانی تا سال‌های پایانی عمر، با عشق و علاقه‌ای وصف‌ناپذیر به کار خود ادامه دادند و بسیاری از لذت‌های معمول زندگی را کنار گذاشتند تا تمام وقت و انرژی‌شان صرف خلق آثار هنری شود. چنین میزان از تعهد و علاقه در افراد معدودی یافت می‌شود.

وی در پایان اذعان داشت: این مسیر، علاوه بر مهارت، نوعی کشف و شهود درونی می‌طلبد. هنرمندی که این چنین با کار خود عجبین شود، از آن آرامش، بهجت و شور درونی عمیقی می‌گیرد که حاضر نیست با هیچ لذت‌ظاهری عوضش کند. رسیدن به چنین جایگاهی نیازمند سال‌ها کار، تمرکز و عشق است و استاد فرشچیان به خوبی به این مرحله رسیده بودند. آثار او، ترکیبی از مهارت اجرایی بالا و مفاهیم عمیق معنوی، ماندگارترین یادگار او برای هنر ایران و جهان است. خداوند ایشان را رحمت کند و با اولیا الله محشور گرداند.

مینا صدوری  
نگارگر و پژوهشگر:

**استاد فرشچیان، نماد  
معنویت و هنر در ایران معاصر**

مینا صدوری درباره استاد محمود فرشچیان گفت: وقتی خبر درگذشت استاد را شنیدم، واقعاً متأثر شدم. ما یک هنرمند بزرگ، استادی بی‌بدیل و شخصیتی فرهیخته، اخلاق‌مدار و دیندار را از دست دادیم. البته دینداری ایشان تنها در حد ظواهر نبود، بلکه به معرفت‌های باطنی و عمیق رسیده بودند. فقدان استاد فرشچیان تنها ضایعه‌ای برای جامعه هنری ایران نیست، بلکه برای تمام انسان‌های فرهیخته در سراسر جهان غم‌انگیز است. هرچند تقدیر الهی بر این بوده و ما همواره می‌گوییم: «راضی‌ایم به رضای خدا»، اما این از تلخی فقدان چنین شخصیت بزرگی نمی‌کاهد.

وی افزود: من سال‌ها پیش در «مکتب کمال‌الدین بهزاد» با استاد رجبی و جمعی از هنرمندان نگارگری همکاری می‌کردم. هر زمان که استاد فرشچیان به ایران می‌آمدند، به کارگاه ما سر می‌زدند. این ارتباط به واسطه

